Understanding of metaphorical time pattern among medical and paramedical students. based on gender, age and academic status

Raiisi F[1], Afrashi A[2], Moghadasin M[3], Hajkaram A[4], Nematzadeh SH[5]

1. PhD Candidate of Linguistics and Cognitive Science, Institute of Cognitive Science Study,Tehran, Iran (Corresponding author), Tel:+989125435896, Email: elhama_raiisi@yahoo.com, ORCID ID: 0000-0001-6496-769X
2. Associate Professor of General Linguistics, Department of Linguistics, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor of Psychology, Department of Education and Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran.
4. PhD of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Humanities, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.
5. Assistant Professor of General Linguistics, Department of Cognitive Linguistics, Institute of Cognitive Science Study, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Metaphor is a systematic relationship between two conceptual domains. In metaphor; an experimental or sensual domain called source domain, is related to another domain as target domain. The purpose of this study was to review understanding of metaphorical time pattern in the medical and paramedical students based on gender, age and academic status.

Materials and Methods: This descriptive study included 120 medical and paramedical students of Tehran medical university with minimum undergraduate university degree. Time metaphorical pattern questionnaire which had been designed by Raiisi (2019) on the basis of time metaphor corpus analysis included 3 subscales of object, place and matter. Pearson correlation test, T test, analysis of one-way variance and post hoc test (least significant difference) were used for data analysis.

Results: The results showed that there was no difference between gender and understanding of metaphorical time pattern. Higher educational levels (from undergraduate to postgraduate and specialty courses) led to better understanding of metaphorical time pattern in Persian speaker students. Students of higher age showed improved understanding of metaphorical time pattern in relation to the object subclass.

Conclusion: Perception of the time is not dependent on gender but can be improved with increasing age and higher academic levels.

Keywords: Time metaphorical pattern, Age, Gender, Academic status, Medical and paramedical students.

Accepted: April 24, 2019 **Received: June 24, 2019**

How to cite the article: Raiisi F, Afrashi A, Moghadasin M, Hajkaram A, Nematzadeh SH. Structures, processes and achievements of the nationalprogram of congenital hypothyroidism screening in the Islamic Republic of Iran. SJKU 2019;24(4):56-67.

Copyright © 2019 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

[DOI: 10.29252/sjku.24.4.56]

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان / دوره بیست و چهارم / مهرو آبان ۱۳۹۸/۶۷-۵۶

درک الگوی استعاری زمان در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی بر اساس جنسیت، سن و وضعیت تحصیلی

فاطمه رئیسی[۱]، آزیتا افراشی[۲]، مریم مقدسین[۳]، آمنه حاج کرم[۴]، شهین نعمت زاده[۵]

۱. دانشجوی دکترای علوم شناختی- زبان‌شناسی شناختی، گروه زبان‌شناسی شناختی، موسسه آموزش عالی شناختی، تهران، ایران (مولف مسئول)، تلفن: ۰۹۱۲۵۴۳۵۸۹۶، پست الکترونیک: elhama_raiisi@yahoo.com، شناسه ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۱-۶۴۹۶-۷۶۹X

۲. دانشیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی شناختی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

۳. استادیار علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۴. دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

۵. استادیار زبان‌شناسی شناختی، گروه زبان‌شناسی شناختی، موسسه آموزش عالی علوم شناختی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: استعاره نوعی ارتباط منظم بین دو حوزه مفهومی است. در استعاره یک حوزه تجربی یا حسی که حوزه مبدأ خوانده می‌شود. بر حوزه دیگری که حوزه مقصد است، ارتباط داده می‌شود. هدف این مطالعه، بررسی درک الگوی استعاری زمان در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی بر اساس جنسیت، سن و وضعیت تحصیلی است.

روش بررسی: روش این مطالعه توصیفی از نوع زمینه‌یابی بود. نمونه این مطالعه شامل ۱۲۰ دانشجوی رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه تهران بودند که حداقل تحصیلات در مقطع کارشناسی داشتند و به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزار این مطالعه، پرسشنامه الگوی استعاری زمان بود که بر اساس تحلیل پیکره‌ای استعاره‌های زمان و میزان بسامد حوزه‌های مبدأ زمان توسط رئیسی ۱۳۹۷ ساخته شد و دارای سه عامل شیء، مکان و ماده بود. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون مقایسه میانگین‌های مستقل، آزمون تحلیل واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی حداقل تفاوت معنادار استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که تفاوت بین زن و مرد دانشجو در میزان درک الگوی استعاری زمان و زیر مقیاس‌های آن از نظر آماری معنادار نیست. اما با افزایش مقطع تحصیلی از کارشناسی به تحصیلات تکمیلی و دوره‌های تخصص، درک الگوی استعاری زمان بهتر می‌شود. از طرفی، با افزایش سن میزان درک الگوی استعاری زمان در زیرمقیاس شیء بهتر می‌گردد، اما در زیر مقیاس‌های ماده و مکان میزان درک از الگوی استعاری زمان تقریباً در تمام سطوح سنی مشابه است.

نتیجه‌گیری: درک انتزاعی زمان وابسته به جنسیت نمی‌باشد، اما با افزایش سن و وضعیت تحصیلات می‌تواند، بهبود پیدا کند.

کلیدواژه‌ها: الگوی استعاری زمان، سن، جنسیت، وضعیت تحصیلی، دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی

وصول مقاله: ۹۸/۲/۴ اصلاحیه نهایی:۹۸/۳/۲۴ پذیرش:۹۸/۴/۳

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

[DOI: 10.29252/sjku.24.4.56]

مقدمه

«استعاره» عبارت است از دادن نامی به چیزی یا ارائه توصیفی درباره چیزی، به‌نحوی که آن نام یا توصیف، به‌طور قراردادی یا به شکل متعارف به چیز دیگری متعلق است (۱). زبان، همسو با دیگر توانایی‌های شناختی، تجارب جسمانی و عوامل فرهنگی تعریف می‌شود. بنابراین، استعاره مفهومی یا شناختی نیز ابزاری زبانی- شناختی به‌حساب می‌آید که بر مبنای آن مفهوم‌سازی در حوزه‌های انتزاعی صورت می‌گیرد. در علوم شناختی، استعاره را نباید صرفاً مربوط به زبان تلقی کرد، بلکه بسیاری از ویژگی‌های استعاره فراتر از ساخت و عناصر زبانی قرار دارند. در این دیدگاه، استعاره‌های مفهومی به صورتی گسترده، در زبان و تفکر بشر پراکنده هستند و به تجربیات متفاوت ما انسجام می‌بخشند (۲). نظام مفهومی و ذهنی انسان (که اندیشه و کردار آدمی بر آن استوار است)، در ذات خود ماهیتی استعاری دارد. اما از آنجا که دسترسی مستقیم به آن مقدور نیست، برای کشف ساختار این نظام، می‌توان از بازنمود آن، یعنی زبان، بهره جست. در واقع، نظر زبان‌شناسان شناختی این است که زبان الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند. بنابراین، مطالعهٔ زبان از این منظر، بررسی الگوهای مفهوم‌سازی ذهنی است. نظریه استعاره مفهومی، بسیار تحت تأثیر روان‌شناسی شناختی و انسان‌شناسی است و صرفاً یک پدیده زبانی نیست، بلکه سیستم مفهومی ما را سازمان می‌بخشد (۳).

استعاره نوعی نگاشت یا ارتباط منظم بین دو حوزه مفهومی است. در استعاره مفهومی یا شناختی، یک حوزه تجربی که «حوزه مبدأ» خوانده می‌شود، بر حوزه دیگری که «حوزه مقصد» است، نگاشت می‌گردد. این دیدگاه، مبین نقش بدن‌مندی در درک معنی یا مفهوم است (۴). به‌عبارت دیگر، انسان دارای بدن است و این بدن اوست که مرزهای دنیای تجربه او را معلوم می‌کند. بنابراین، هر تجربه معنادار آدمی، تحت تأثیر شکل و عملکرد بدن او است (۵). بر این اساس، مفهوم «واقعیت تجربی» معرفی می‌شود. بر اساس واقعیت تجربی، تجارب ما تحت تأثیر بدن شکل می‌گیرند و شامل استدلال، قضاوت، خرد انتزاعی، خرد عینی و خلاقیت است. بر اساس این دیدگاه، استدلال یا مفاهیم انتزاعی، صرفاً یک ماهیت عالی و کامل ذهن نیستند، بلکه همسو با تجربه‌های گوناگون بشر رشد می‌کنند و کامل می‌شوند (۶). می‌توان گفت، استعاره‌های مفهومی مکانیسم‌های ذهنی هستند که صرفاً نمود زبانی نمی‌یابند، بلکه در فرهنگ، هنر، ادبیات و نمادها نیز ظاهر می‌شوند. استعاره‌ها، به‌عنوان ابزاری جهت ارتباط میان دو اندیشه مختلف عمل می‌کنند. متخصصان علوم شناختی به‌دنبال کشف نحوه عملکرد استعاره‌ها در ذهن آدمی از طریق نمودهای زبانی هستند. آنها الگوهای موجود در مفهوم واژه‌ها و عبارات استعاری را به‌عنوان شاهدی جهت وجود استعاره‌های مفهومی ذهنی مورد بررسی قرار می‌دهند (۷). ما بسیاری از مفاهیم انتزاعی را به‌صورت استعاری به‌کار می بریم، مانند، رویدادها، مفهوم علیت، ذهن، خویشتن، اصول اخلاقی، مسائل فلسفی، قضایای متافیزیکی و زمان. «زمان» یعنی، کاوشی درباره سازوکارهای شناختی که به‌صورت بخشی از ناخودآگاه شناختی برای مفهوم‌سازی، استدلال و گفت‌وگو درباره درک زمان به‌کار بسته می‌شود. این کاوش با مفاهیم آگاهانه‌ای شروع نمی‌شود، بلکه با مفاهیم متعارف، خودجوش و ناآگاهانه در مورد «زمان» آغاز می‌شود که بخشی از نظام مفهومی روزمره ما را می‌سازد. در واقع، ما یک تصویر غنی و پیچیده از مفهوم زمان در نظام مفهومی خود داریم، که برای تحلیل آن، از واژه زمان بهره می‌بریم. به‌عبارت دیگر، در سیستم شناختی انسان، «زمان» بر حسب خود مفهوم‌سازی نمی‌شود، بلکه مفهوم‌سازی آن عمدتاً استعاری و کنایی است. بدون کمک گرفتن از استعاره، مفهوم‌سازی زمان واقعاً غیرممکن است. برای مفهوم‌سازی

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

[DOI: 10.29252/sjku.24.4.56]

زمـان از تعـدادی اسـتعاره مفهـومی اسـتفاده مـی‌شـود، کـه هرکدام همراه با متافیزیک مفهومی خود هستند. متافیزیـک مفهومی که برای استعاره‌های زمان تعریف می‌شود، پرسش-های فلسفی مهمی را پیش‌مـی‌کشـند. بـرای مثـال، زمـان «در ذات خود» یعنی چه؟ چگونه باید از حقیقت متافیزیکی زمان گفت؟ (۸).

چنانکه گفته شد، یکی از روش‌هـای علمـی رایـج توصـیف زمان از دیـدگاه شـناختی اسـتفاده از اسـتعاره‌هـای مفهـومی است. به‌عبارت دیگر، ممکـن اسـت در مفهـوم‌سـازی زمـان تجربه هایی از مکان فرافکنی شود که کاملاً استعاری هستند. از این دیدگاه، حوزه‌ای از تجربه که انتزاعی‌تر اسـت، یعنـی زمان به کمک حوزه‌ای دیگر کـه عینیـت (ماننـد، مکـان یـا شیء) بیشتری دارد، درک و بیان می‌گردد. می‌تـوان گفـت، انواع استفاده از زمان در حـوزه مبـدأ اسـتعاری وجـود دارد. حوزه مبدأ می‌تواند پایه‌ای از «مکان» یا «شـیء» باشـد. بـرای مثال، چگونه می‌توان از این زمانه پر فشـار بـرون رفـت؟، در این جمله، زمان مانند مکانی مفهوم‌سازی شـده اسـت کـه از آن‌جـا مـی‌تـوان خـارج شـد. در زبـان فارسـی، اگـر زمـانی مشخص مدنظر باشد، گویشوران زبان فارسی، مرزهایی شبیه مرزهای مکـانی بـرای آن قائـل مـی‌شـوند. از طرفـی، درک زمان مبتنی بر مکان، ریشه ذاتی و طبیعی دارد. دستگاه بینایی انسان دارای گیرنده‌هایی برای درک اشیاء و مکان است. اما برای درک زمـان، گیرنـده خاصـی وجـود نـدارد. ازیـن‌رو، طبیعی است که زمان بر مبنای اشیاء و حرکت آنها در مکـان درک شـود. لیکـاف زمـان را یکـی از حـوزه‌هـای مفهـومی انتزاعی می‌داند که بـر پایـهٔ نظریـهٔ معاصـر اسـتعاره در قالـب حوزهٔ آشناتر مکان، درک و بیان می‌شود و این همان چیزی است که آن را «اسـتعارهٔ زمـان بـه‌مثابـه مکـان» مـی‌نامـد(۲). همچنین تحقیقات نشان داده است کـه یـک واقعیـت روان-شناختی در مورد استعاره‌های زمان- مکان یا فضا، در اغلـب زبان‌ها وجود دارد که گذشته با دست چپ و اشاره به فضای چپ گوینده مفهوم‌سازی می‌شود و سمت راست نشان‌دهنده آینده پیش‌روی گویشور است. این مسئله اشاره دارد به بدن-مندی در یادگیری مفهوم زمان و مکانیسم‌های مربوط بـه آن که از طریق آنها استعاره‌های مفهومی کسب می‌شوند (۹).

درک و توصیف زمان به کمک مفاهیم دیگری نیـز امکـان-پذیر است، از جمله، پیوستگی، تداوم و ترتیب زمانی، یعنـی هـر زمـانی گذشـته‌ای دارد و آینـده‌ای. حرکـت و تـداوم حرکت می‌تواند به مفهوم جنبش باشـد یـا بـه مفهـوم تغییـر، حرکت می‌تواند مختص گوینده باشد یا مختص زمـان. پـس ترکیبی انتزاعی از مفهوم مکان، حرکت، تغییر و تداوم زمان در قالب استعاره مفهومی بیـان و درک مـی‌گـردد. از سـوی دیگر، همین حرکـت و تـداوم زمـان، وجـود تقـدم و تـأخر زمانی، پیوندی انتزاعی بین زمان و مکان را موجب مـی‌شـود (۴). در بنیادی‌ترین اسـتعاره‌هـای زمـان، گوینـده‌ای حضـور دارد که رو به آینده است و گذشته پشت‌سر او قرار دارد. به این وضعیت، استعاره سمت‌گیری زمان مـی‌گوینـد. اسـتعاره سمت‌گیری زمان یک حوزه مبـدأ فضـایی دارد، امـا چیـزی درباره حرکت نمی‌گوید. اما گوینده ممکن است سـاکن یـا متحرک باشد (۸).

استعاره مفهـومی «گذشـت زمـان، حرکـت اسـت.»، اسـتعاره بسیار پرکاربرد و متداولی است. در این اسـتعاره زمـان حـال در مکانی قرار گرفته است که فرد در آن حضور دارد. آینده در مکانی جلوتر از فرد و گذشته در مکانی پشت‌سر یـا قبـل از گوینده واقع شده است. در این استعاره، هریک از عناصـر یعنی گوینده یا زمان می‌توانند حرکـت کننـد، در حـالی‌کـه دیگری در یک مکان ثابت است. بر این اسـاس، لیکـاف دو حالت مختلف از استعاره‌های زمان مبتنی بر مکان را در زبان انگلیسی از هـم مجـزا کـرده اسـت. در حالـت اول، گوینـده ثابـت اسـت و زمـان از برابـر وی مـی‌گـذرد. ایـن حالـت را استعاره «حرکت زمان» می‌نامنـد. در حالـت دوم، زمـان‌هـای مختلف آینده، حال و گذشته «مکان» ثـابتی دارنـد و فـرد از میان آن مکان حرکت مـی‌کنـد. بـه ایـن حالـت‌هـا، اسـتعاره «حرکت گوینده» می‌گویند. در این حالت، زمان‌ها موقعیت-های مکانی ثابت یا مناطق محدودی هستند و گوینده در این حالت، از گذشته به حال و سـپس آینـده حرکـت مـی‌کنـد.

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

[DOI: 10.29252/sjku.24.4.56]

به‌عبارت دیگر، در این حالت‌ها، مقاطع زمانی مانند مسافت-هایی در مکان به نظر می‌آیند (۲).

نوع دیگر استفاده از زمان، نشان‌دادن توالی رویدادها می-باشد که لیکاف آن را «رویداد وابسته به زمان» نامیده است. این زمان‌ها (یعنی، رویدادهای معرف زمان)، از طریق حرکت در فضا مفهوم‌سازی می‌شوند و زمان‌ها به صورت محل‌ها یا نواحی محدودی در فضا، یا اجسام و موادی که حرکت می‌کنند، مشخص می‌گردند (۸). برخی از محققان، استعاره‌های حرکتی زمان را مفهومی جهانی می‌دانند. با این حال، همه آنها بر این باور هستند که تفاوت‌های فرهنگی بسیاری بین بازنمایی مفهوم زمان در زبان‌های مختلف به‌صورت استعاری وجود دارند. در همه زبان‌ها، این واقعیت اساسی وجود دارد که زمان از طریق فضا مفهوم‌سازی می-شود. این بسط استعاری از فضا به زمان نشان‌دادن جریان و توالی رخدادها در بستر زمان می‌باشد و اغلب این دانش زبانی از طریق بصری‌سازی رخ می‌دهد (۱۰).

در جوامع مدرن، زمان یک کالای با ارزش محسوب می‌شود که ما به‌صورت نامحدود برای انجام کارهای‌مان در اختیار داریم. امروزه در جوامع صنعتی، ارزش کار با زمانی که برای آن صرف می‌شود، تعریف شده است و زمان، موجودی بسیار ارزشمند به‌شمار می‌آید. بسیاری از فعالیت-های روزمره، در تمام فرهنگ‌ها، بر اساس زمان ارزش-گذاری مالی می‌شوند. در نتیجه ما زمان را به‌گونه‌ای درک و تجربه می‌کنیم که گویا می‌توان آن را ذخیره یا خرج کرد، می‌توان آن را هدر داد یا سرمایه‌گذاری کرد. نگاشت‌هایی مانند، «زمان، پول است.»، «وقت طلاست.»، «زمان، منبع محدودی است.» و «زمان، کالای باارزشی است.»، از استعاره «زمان، کالای باارزش است.»، مفهوم‌سازی می‌شوند (۸).

در نتیجه، بسیاری از محققان در فرهنگ‌های مختلف بر این باور هستند که در زبان‌های مختلف، مفهوم «زمان» بر اساس «مکان» درک و بیان می‌شود. در زیر ساخت انواع مختلف استعاره‌های مربوط به زمان در زبان‌های گوناگون، تجربیات جهانی مشترکی وجود دارد. بازنمودهای مختلف زمان در زبان‌ها قراردادی نیستند و ریشه در تجربیات بدنی اولیه انسان و همچنین تجربیات فرهنگی دارند (۱۱). همچنین، استعاره-های حرکتی زمان نیز در اغلب فرهنگ‌ها وجود دارند (۱۲). الگوهای زبانی و فرهنگی بین دو زبان انگلیسی و چینی نشان داده است که در زبان ماندارین استعاره‌های عمودی زمان بیش از انگلیسی به‌کار می‌روند. همچنین، در زبان انگلیسی استعاره‌های زمان، بیشتر بر مبنای خط افقی شکل‌گرفته‌اند (۱۳). استعاره‌های زمانی- مکانی در دو زبان چینی و آمریکایی مقایسه شدند و نتایج نشان داد در استعاره‌های حرکتی زبان چینی آینده با پیش‌رو و گذشته با پشت‌سر نمایش داده می‌شوند. این استعاره‌های مربوط به زمان، ظاهراً، بخشی خودکار از ناآگاهی شناختی ما هستند که نه تنها نحوهٔ مفهوم‌سازی رابطهٔ میان رویدادها، مکان، ارزش مالی و مفهوم زمان نشان می‌دهند، بلکه چگونگی تجربهٔ ما از زمان را، نیز تعیین می‌کنند. به‌همین دلیل است که مثلا ما اساساً فکر می‌کنیم که رویدادها در (ظرف) زمان یا بر (سطح) زمان رخ می‌دهند (۱۴).

استعاره‌های مفهومی چون ویژگی شناختی دارند، از الگوی رشد شناختی نیز تبعیت می‌کنند. بر این اساس، مطالعات گوناگونی صورت گرفته است. برای مثال تحقیقی نشان داده است که استفاده از استعاره‌های مفهومی باید در مراحل اولیه‌ای که دانش‌آموزان اطلاعات کمی در زمینه مفاهیم دارند، مورد استفاده قرارگیرند. سپس به تناسب سن با توجه به افزایش رشد شناختی، از میزان آنها کمتر شود و از استعاره‌های پیچیده‌تری استفاده شود (۱۵). در طی مطالعه‌ای نتایج نشان داد که درک استعاره‌های مفهومی از روند رشدی پیروی می‌کنند (۱۶). همچنین نتایج پژوهش دیگری نشان داد که کودکان فارسی زبان در رده سنی ۸ سالگی به بعد، مفهوم زمان را به‌واسطه «حرکت در مکان» درک می-کنند و نظریه استعاره مفهومی ابزار نظری مناسبی برای بررسی رشد ساختار مفهومی در زبان فارسی است (۱۷). یافته‌های پژوهش دیگری نشان داد که سن فراگیری

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

[DOI: 10.29252/sjku.24.4.56]

استعاره‌های زمان همراه با حرکت گوینده، حرکت زمان، حرکت گوینده و زمان با هم و حرکت بدون گوینده به‌ترتیب در ۴، ۵، ۶ و ۷ سالگی رخ می‌دهند (۱۸). در یک مطالعه مقایسه‌ای درک استعاره‌های حرکتی زمان در کودکان چهار و پنج ساله انگلیسی و ترک زبان، مشخص شد که کودکان انگلیسی و ترکیه‌ای، در سن چهارسالگی قادر به درک استعاره‌های حرکتی زمان هستند و در سن پنج سالگی می‌توانند در مورد این استعاره‌ها قضاوت کنند. همچنین درک استعاره‌ها در کودکان با تغییرات اشارات آنها هنگام رساندن معنی استعاره همگام است. در چهارسالگی بیشتر ژست‌ها و اشارات کودکان در توضیح استعاره‌های مفهومی زمان، با بررسی حوزه مبدأ «مکان» است و در سن پنج سالگی بر مبنی حوزه مقصد یا زمان تغییر پیدا می‌کند (۱۹). بر همین اساس، مطالعه حاضر به‌دنبال پاسخگویی به این سوال است که الگوی درک استعاری زمان یا مفهوم‌سازی زمان، در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی بر اساس تحصیلات، سن و جنسیت چگونه است؟

روش بررسی

نوع مطالعه و نمونه‌گیری

روش این مطالعه توصیفی از نوع زمینه‌یابی بود. نمونه این مطالعه ۱۲۰ دانشجوی رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه‌های پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه تهران در سال ۹۸-۱۳۹۷ بودند که حداقل تحصیلات در مقطع کارشناسی داشتند و به‌صورت در دسترس انتخاب شدند.

پرسشنامه محقق‌ساخته الگوی استعاری زمان

پرسشنامه این مطالعه پرسشنامه الگوی استعاری زمان بود که بر اساس تحلیل پیکره‌ای در حوزهٔ استعاره‌های زمان و میزان بسامد حوزه‌های مبدأ و نگاشت های استعاری زمان طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال و با سه زیرمقیاس زمانی «مکان»، «ماده» و «شیء» بود. رئیسی در سال ۱۳۹۷ با هدف بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس الگوی استعاری زمان، نشان داد ضریب اعتبار با استفاده از روش آلفای کرونباخ حاکی از اعتبار مطلوب برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ و برای عامل‌های «ماده» ۰/۷۷، «شیء» ۰/۷۷ و «مکان» ۰/۷۱ است. همچنین، نتایج تحلیل عامل اکتشافی نشان داد، پرسشنامه استعاره زمان از سه عامل «ماده»، «مکان» و «شیء» تشکیل شده است که جمعاً ۳۷/۱۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند (۲۰). از رعایت ملاحظات اخلاقی در این مطالعه می‌توان به محرمانه بودن نام و اطلاعات دانشجویان در حین گردآوری اطلاعات و کسب رضایت شخصی جهت مشارکت در این پژوهش اشاره کرد. همچنین، برای تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون مقایسه میانگین‌های مستقل، آزمون تحلیل واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی حداقل تفاوت معنادار استفاده شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، ۱۲۰ دانشجوی رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی به‌صورت در دسترس شرکت کردند. از نظر جنس ۷۸/۷ درصد از پاسخگویان زن و ۲۱/۳ مرد بودند. ۷۵ درصد زیر ۴۰ سال و ۲۵ درصد بالای ۴۰ سال قرار داشتند. از نظر تحصیلات، ۲۰ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دکترا یا تخصص، ۱۸/۳ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۶۱/۱۷ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی بودند (جدول ۱).

نتایج رابطه بین سن دانشجویان با درک الگوی استعاری زمان نشان داد که بین سن دانشجویان با زیرمقیاس «شیء» از نظر آماری در سطح ($P<0/05$) معنادار است. به‌عبارت‌دیگر، با افزایش سن، میزان درک الگوی استعاری زمان در زیرمقیاس «شیء» بهتر می‌شود، اما در زیرمقیاس‌های «ماده» و «مکان» میزان درک از الگوی استعاری زمان تقریباً در تمام سطوح سنی دانشجویان مشابه باقی می‌ماند (جدول ۲).

مقایسه درک الگوی استعاری زمان با سطح تحصیلات دانشجویان نشان داد که بین میزان درک الگوی استعاری زمان با سطح تحصیلات، از نظر آماری در سطح ($P<0/01$)

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

[DOI: 10.29252/sjku.24.4.56]

تفاوت معنادار وجود دارد. به‌عبارت دیگر، با افزایش مقطع تحصیلی دانشجویان، میزان استفاده از الگوی استعاری زمان «ماده»، «مکان» و «شیء» بیشتر می‌شود (جدول ۳).

همچنین نتایج بررسی تفاوت بین دانشجویان زن و مرد در میزان درک الگوی استعاری زمان، نشان داد که تفاوت بین زن و مرد در میزان درک الگوی استعاری زمان و زیرمقیاس‌های آن از نظر آماری در سطح (P>۰/۰۵)معنادار نیست. به‌عبارت‌دیگر، میزان استفاده از الگوی استعاری زمان در زیرمقیاس‌های «شیء»، «ماده» و «مکان» تقریباً در زن و مرد دانشجو مشابه است و در این زمینه تفاوت جنسیتی وجود ندارد (جدول ۴).

جدول ۱: توصیف جمعیت‌شناختی دانشجویان مورد بررسی

متغیرهای جمعیت‌شناختی		فراوانی	درصد
جنس	زن	۹۵	۷۸/۷
	مرد	۲۵	۲۱/۳
	کل	۱۲۰	۱۰۰
گروه‌های سنی	کمتر از ۴۰ سال	۷۵	۶۲
	بیشتر از ۴۰ سال	۴۵	۳۸
	کل	۱۲۰	۱۰۰
تحصیلات	کارشناسی	۷۴	۶۱/۷
	کارشناسی‌ارشد	۲۲	۱۸/۳
	دکترا یا تخصص	۲۴	۲۰
	کل	۱۲۰	۱۰۰

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین سن دانشجویان با مقیاس‌های الگوی استعاری زمان

مقیاس‌های الگوی استعاری زمان	شاخص ها	سن پاسخ گویان
ماده	ضریب همبستگی	۰/۱۳
	معناداری	۰/۱۱۹
	فراوانی	۱۲۰
مکان	ضریب همبستگی	۰/۱۱
	معناداری	۰/۲۰۰
	فراوانی	۱۲۰
شیء	ضریب همبستگی	۰/۱۲۰(*)
	معناداری	۰/۰۱۲
	فراوانی	۱۲۰
نمره کل	ضریب همبستگی	۰/۱۶(*)
	معناداری	۰/۰۴۸
	فراوانی	۱۲۰

(**) معناداری در سطح ۰/۰۱ و (*) معناداری در سطح ۰/۰۵

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

[DOI: 10.29252/sjku.24.4.56]

جدول ۳: مقایسه الگوی استعاری زمان و زیرمقیاس‌های آن بر حسب مقطع تحصیلی

زیرمقیاس‌ها		مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	Fارزش	سطح معناداری
ماده	بین گروهی	۸۶۲/۵۷۲	۲	۴۳۱/۲۸۶	۸/۸۴۴(**)	۰/۰۰۱
	خطا	۷۱۶۸/۲۰۱	۱۴۷	۴۸/۷۶۳		
	جمع	۸۰۳۰/۷۷۳	۱۴۹	---		
مکان	بین گروهی	۵۱۵/۲۲۰	۲	۲۵۷/۶۱۰	۸/۷۹۲(**)	۰/۰۰۱
	۰خطا	۴۳۰۷/۰۷۳	۱۴۷	۲۹/۳۰۰		
	جمع	۴۸۲۲/۲۹۳	۱۴۹	---		
شیء	بین گروهی	۴۸۵/۲۹۹	۲	۲۴۲/۶۴۹	۷/۷۵۰(**)	۰/۰۰۱
	خطا	۴۶۰۲/۳۶۱	۱۴۷	۳۱/۳۰۹		
	جمع	۵۰۸۷/۶۶۰	۱۴۹	---		
نمره کل	بین گروهی	۵۲۸۰/۷۳۷	۲	۲۶۴۰/۳۶۸	۱۰/۴۰۴(**)	۰/۰۰۱
	خطا	۳۷۳۰۷/۹۳۷	۱۴۷	۲۵۳/۷۹۵		
	جمع	۴۲۵۸۸/۶۷۳	۱۴۹	---		

(**) معناداری در سطح ۰/۰۱

جدول ۴: مقایسه الگوی استعاری زمان و زیر مقیاس‌های آن بر حسب جنس

مقیاس‌ها	**جنس**	میانگین M	انحراف معیار S.D	ارزش T	درجات آزادی f.d	سطح معناداری P.Value
ماده	زن	۴۴/۴۰	۷/۱۶۰	-۱/۳۳۳	۱۴۸	۰/۱۸۵
	مرد	۴۶/۳۴	۷/۹۰۵			
مکان	زن	۲۸/۶۳	۵/۵۹۱	-۱/۱۰۱	۱۴۸	۰/۲۷۳
	مرد	۲۹/۸۸	۶/۰۲۵			
شیء	زن	۲۶/۱۳	۵/۷۲۲	-۰/۸۵۶	۱۴۸	۰/۳۹۳
	مرد	۲۷/۱۳	۶/۳۰۳			
نمره کل	زن	۹۹/۱۵	۱۶/۲۴۷	-۱/۲۴۶	۱۴۸	۰/۲۱۵
	مرد	۱۰۳/۳۴	۱۹/۰۶۰			

بحث

هدف پژوهش حاضر، بررسی درک الگوی استعاری زمان در زبان فارسی بر اساس جنسیت، سن و مقطع تحصیلی بود. نتایج نشان داد که با افزایش سن دانشجویان، میزان درک الگوی استعاری زمان در زیرمقیاس «شیء» بهتر می‌شود. اما در زیرمقیاس‌های «ماده» و «مکان» میزان درک الگوی استعاری زمان تقریباً در تمام سطوح سنی دانشجویان مشابه است. میزان استفاده از الگوی استعاری زمان در مقیاس‌های «شیء»، «ماده» و «مکان» تقریباً در زن و مرد دانشجو مشابه است و با افزایش مقطع تحصیلی از کارشناسی به ارشد و

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

[DOI: 10.29252/sjku.24.4.56]

دکترا یا تخصص میزان استفاده از الگوی استعاری زمان «ماده»، «مکان» و «شیء» بیشتر می‌شود.

در زمینه تطبیق این پژوهش با یافته‌های پیشین پژوهش‌های مشابه می‌توان به مطالعات انجام شده توسط Zandi و همکاران در سال ۲۰۱۶ (۱۵)، Sadeghi در سال ۲۰۱۳ (۱۶)، Özçalışkan در سال ۲۰۰۷ (۱۹)، Mansoory و همکاران در سال ۲۰۱۷ (۱۸) و Sojoodi در سال ۲۰۱۲ (۱۷) اشاره کرد که تا حدودی با یافته‌های این مطالعه همخوان هستند و همگی نشان‌دهنده این موضوع می‌باشند که درک استعاره‌های مفهومی از سنین کودکی آغاز می‌شود و با افزایش سن و تجارب فردی، سازمان‌یافته‌تر می‌گردد. در نتیجه، در فراگیری و درک استعاره‌های زمان، تجارب شخصی، بالارفتن سن، ویژگی‌های جنسیتی و رشد شناختی صوری می‌توانند مؤثر باشند.

دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی با استعانت از استعاره‌های مفهومی، برای بیان مفاهیم انتزاعی زمان بهره - می‌برند، تا از این رهگذر به شناخت بهتری از مفهوم زمان و کارکرد ذهنی- شناختی در باب زمان دست یابند. در تمام کاربردهای استعاری زمان، آنچه بیشتر از همه به‌چشم می- خورد این نکته است که دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی از انواع استعاره‌های زمان با توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی استفاده کرده‌اند. این استعاره‌ها به‌نوعی ویژگی بصری دارند و چون زمان یک مفهوم کاملاً انتزاعی است و مصداق عینی ندارد، دانشجویان برای درک و تعامل در باب زمان ناچار به استفاده از امور عینی برای درک زمان هستند و این عینی‌سازی یا بصری‌سازی در انواع کاربردهای استعاری زمان در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی مشهود و معلوم است.

یافته‌های این مطالعه همچنین بیان می‌کنند که دانشجویان مقاطع مختلف رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی مانند دیگر گویشوران زبان فارسی، نسبت به زمان حالت انفعالی دارند و این حالت انفعالی ریشه در بنیان‌های تربیتی، فلسفی، تاریخی و در کل جهان‌بینی ایرانی دارد. به‌عبارت دیگر، فارسی‌زبانان نوعی «نگرش ذهنی نوروزی» دارند. یعنی همیشه منتظر روزی نو و بهتر هستند، روزی که بهتر از امروز است، اما برای ایجاد آن تلاشی نمی‌کنند(۲۲). احتمالاً به‌همین دلیل است که دانشجویان در مطالعات و انجام تکالیف تحصیلی خود اهمال‌کاری دارند و اغلب مطالعات خود را به شب امتحان موکول می‌کنند. بنابراین، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که درک استعاری زمان در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی محدود به چند حوزه بسیار رایج «ماده»، «مکان» و «شیء» است. مفهوم زمان و یا گذر زمان برای دانشجویان این رشته‌ها نیاز به ملموس کردن این مفهوم انتزاعی دارد. این موضوع در برنامه‌ریزی- های درسی و مدیریت زمان جهت برنامه‌ریزی مطالعات درسی و جانبی برای دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی، چالش‌برانگیز و کمک‌کننده است.

از بعد روان‌شناختی، زمان یکی از موضوعات جالب و بحث‌انگیزی است که در دوره‌های مختلف تاریخ مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه قرارگرفته و از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده است. از دید روان‌شناسان و متخصصان علوم شناختی، زمان مفهومی ذهنی، درونی و وابسته به فرد است. از این منظر، مفهوم «زمان» از فردی به فرد دیگر (یا جامعه‌ای به جامعه دیگر) و حتی در یک فرد، از زمانی به زمان دیگر در نوسان است و دچار تغییر می‌شود. Emanuel Kant اولین کسی بود که به جنبه‌های درونی زمان اشاره کرد و آن را ابزاری در ذهن انسان دانسته که وابسته به تجارب فردی و اجتماعی است. درک و چشم- انداز زمان، در هر فردی، تحت تأثیر فرایندهای جامعه- پذیری، الگوسازی، تعلیم و تربیت، فرهنگ و سایر عوامل محیطی شکل می‌گیرد (۲۱). همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، «زمان» به‌عنوان یک حوزه مقصد پیچیده استعاری- شناختی است که درک آن نیاز به سازوکارهای شناختی و استدلال دارد و بسیاری از کارکردهای اجرایی را درگیر خود می-

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

[DOI: 10.29252/sjku.24.4.56]

کند (۷). صاحب‌نظران شناختی معتقدند درک استعاری انسان براساس ادراک غیراستعاری وی بنا می‌شود. انسان موضوعات انتزاعی، ناملموس و فاقد ساختار را از طریق موضوعات عینی و سامان‌یافته‌تر درک می‌کند. این امر از ساده‌ترین امور روزمره تا پیچیده‌ترین مفاهیم علمی و انتزاعی را در برمی‌گیرد. نظام استعاری به دلیل ماهیت شناختی دارای ویژگی‌های قراردادی، ناخودآگاهانه و خودکار است. بدین معنا که انسان‌ها از استعاره‌ها به‌صورت مداوم، ناهوشیارانه و بدون هیچگونه تلاش آگاهانه ذهنی استفاده می‌کنند.

نتیجه‌گیری

استعاره مفهومی زمان، دارای جنبه‌های مهم شناختی در درک و مفهوم‌سازی زمان است. زیرا درک بنیان استعاره ارتباط مستقیمی با رشد شناختی بشر دارد و هرچه میزان سن و سطح تحصیلات افراد بالاتر می‌رود، بر دانش و تجارب آن‌ها افزوده می‌شود. در نتیجه، دانش‌های زبانی و غیرزبانی گسترش می‌یابند. این اکتسابات، قدرت استدلال را بالا می‌برند، درک مفاهیم انتزاعی را تسهیل می‌کنند و با گسترش و رشد شناختی صوری و فراصوری، درک استعاره‌ها آسان می‌شود. اما بر اساس یافته‌های به‌دست آمده، تفاوتی بین دو جنس در درک استعاره‌های پیچیده زمان مشاهده نمی‌شود و اگر به‌صورت پراکنده چنین نتیجه‌ای در پژوهشی دیده شود، جنبه کلیشه‌سازی و سوگیری جنسیتی دارد. بر اساس یافته‌های این مطالعه می‌توان گفت دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی زمان را بیشتر بصری‌سازی و عینی‌سازی می‌کنند که این امر ریشه در فرهنگ و زبان فارسی دارد.

در نهایت باید اذعان کرد که بررسی درک الگوی استعاری زمان در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی از طریق پرسشنامه الگوی استعاری زمان خالی از اشکال نبوده است و می‌توان در این راستا به محدود بودن نمونه مطالعه به دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی، تحصیلات کارشناسی به بالا (به‌دلیل ماهیت انتزاعی درک زمان) اشاره کرد. بنابراین، به پژوهشگران جهت مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود که این پرسشنامه را در سایر جمعیت‌ها و در بین دانشجویان غیرپزشکی بررسی نمایند. در خاتمه، به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت، در درک الگوی استعاری زمان بر اساس جنسیت دانشجویان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی تفاوتی دیده نمی‌شود، اما بر اساس مقطع تحصیلی و سن می‌تواند متفاوت باشد.

تشکر و قدردانی

با تشکر از معاونت‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه تهران جهت هماهنگی‌های لازم در انجام این پژوهش در دانشکده‌های مربوطه. در ضمن عنوان این رساله در موسسه آموزش عالی شناختی با شماره ۱۱۲۵/ ۹۸/ ر در تاریخ ۹۶/۱۱/۳۰ تصویب شده است.

References

1. Brown HD. Principles of language learning and teaching. 5th ed. London: Pearson Education ESL, 2006: 94-117.
2. Lakoff G, Johnson M. Metaphors we live by. 1st ed. Chicago: University of Chicago Press, 2003:11-13.
3. Evans V, Green M. Cognitive linguistics: an introduction. 1 ed. Mahwah, NJ, US: Lawrence Erlbaum Associates Publishers, 2006: 286-29.
4. Lakoff G. What is a conceptual system? in overton and palermo (eds.), The nature and ontogenesis of meaning. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates Publishers, 1994:40-5.
5. Johnson M. Image schematic bases of meaning, RSSI (Researches symbiotic semiotic inquiry). Oregon: University of Oregon Press, 1989:109-18.

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

[DOI: 10.29252/sjku.24.4.56]

6. Lakoff G. Women, fire and dangerous things: what categories reveal about the mind. London: Chicago University Press, 1987:289-301.
7. Kövecses Z. Metaphor: A practical introduction. 2nd ed. New York: Oxford University Press, 2010:113-18.
8. Lakoff G, Johnson M. Philosophy in the flesh: The embodiment and its challenges to western thought. New York: Basic books, 1999:631-4.
9. Santiago J, Lupianez J, Perez E, Jesus Funes M. Time (also) flies from left to right. Psychon Bull Rev 2007;14:512-6.
10. Filchenko A. Forward to the past? - Space and time in khanty language and gesture. time and language. Book of abstracts. Organized by the linguistic association of Finland, 2016:22-4.
11. Alverson H. Semantics and experience: Universal of Time in English, Mandarin, Hindi, and Sesotho. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1994:137-43.
12. Fauconnier G, Turner M. Rethinking metaphor. In: Gibbs R. (ed), Cambridge handbook of metaphor and throughout. Cambridge: Cambridge University, 2008: 53-66.
13. Fuhrman O, Mc Cormick K, Chen E, Jiang H, Shu D, Mao S, Boroditsky L. How linguistic and cultural forced shape conceptions of time: English and Mandarin time in 3D. Cogn Sci 2011; 35:1305-28.
14. Zhou Y, Fan Y. A contrastive study of temporal spatial metaphor between Chinese & attention. TPLS 2015;5:119-23.
15. Zandi B, Roshan B, Ghā H, Moghaddam S, Babasalari Z. Cognitive content-analysis of function metaphors in elementary school Farsi textbooks. Quarterly Journal of Educational Innovations 2016;15:7-22. [In Pesian]
16. Sadeghi SH. Evaluation of metaphorical language development among Persian children: A comparative study. Lan Sci J 2013;1:145-67. [In Persian]
17. Sojoodi F. Metaphor of time in persian children books (a, b, c age groups): a cognitive approach. LCQ 2012;5:50-70. [In Persian]
18. Mansoory B, Nematzadeh SH, Afrashi A. The acquisition of spatial metaphors of time in persian speaking children. Zaban shenakht (Language Studies) 2017;8:137-62. [In Persian]
19. Özçalışkan, Ş. Metaphors we move by: children's developing understanding of metaphorical motion in typologically distinct languages. Met Sym 2007;22:147-68.
20. Raiisi F. A comparative study of conceptual metaphors of time in persian: a cognitive and corpus-based approach [dissertation]. Tehran: Institute of Cognitive Science Study; 2017.
21. Seginer R. Adolescent future orientation: an integrated cultural and ecological perspective. Online Readings in Psychology and Culture 2003:2307-0919.1056.
22. Hajian K, Kambuziyā AK. A survey of the orientational metaphors in Qur'an: a cognitive approach. LCQ 2010;3:116-39. [In Persian]

[Downloaded from sjku.muk.ac.ir on 2026-11-29]

[DOI: 10.29252/sjku.24.4.56]